

در جمله موافق صورت است اعتبار کثرت در ذات حضرت حق تعالی و
تقدس و قول بوجود عالم در ذات حضرت حق جل شانزه موجب
و حلول و احتیاج و ایز است که مطلق و مهم محتاج است بسوی خود
و تعینات بدانکه از مذکور سابق ظاهر شد که تعینات و قیود است که
در عبارات اصحاب این مذمت واقع میشود مجرد تعین در عبارت
یست بلکه مبتنی است بر آنکه ذکر یافت بدانکه نسبت تصور است
ایشان و اگر نسبت تصور در مفهوم حقیقت اعتبار کنند همین است
حاصل خواهد گشت بلکه اقرب خواهد بود با کتب در میان ایشان موجود
و لیکن می باید که مفهوم حقیقت را نحوی اعتبار کنند که هیچ جز از اجزای
آن مبرون نباشد حتی و هیات و تبدیلات بلکه تعینات نیز باید
میتوان گفت که در هر عام مثل مفهوم معلوم و شیئی تصور
نموده ممکن است پس معلوم گشت که نسبت آن از جمله موری
که بدون مکاشفه نتوان تصور و تحصیل نمود و از صوا جمالات
اقرب است که مفهوم وجود عام را یا مفهوم حقیقت عام را حسی
و بلا شرط شیئی اعتبار نموده اصل استیاری از حق جل شانزه
و عدم وجه و ترکیب بر آن و بان اعتبار نماید و او را نسبت با آنها
علو و کبر نسبت عموم اعتبار کنند و ذات حضرت حق جل شانزه را

با صفا

باعتقاد صحت و صدق و قیود و دست سبحان ربی الذی علی کونیه
و موصوف بصفت سلبیه مثل لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفرا
و لا منکره و لا مفرد فی شئنا سنده و مفادیس کشنده شی را از کثرت
نمونه در صورت از جیدن استخا بهای مامون خواهد گشت
آنچه صاحب کشف المحجوب فرموده که هیچ مذمت از مذاهب صوفیه
بر حال خود نمائند الا مذمت ابی العباس سنیاری و همچنین آنچه امام
صدر الاسلام در اصول خود فرموده که صوفی از شیطان و مخالف
اعتقاد مومنه بودند بجز از آن جهل در ایشان غالب شد چنانکه
فرق کشنده یکی از آن ده برحق است دیگر بر ضلالت اندوهناک
بود که شایسته باشد بسوی عقاید فاسده و ریاضات شایسته
مخبره بر خلاف سنت حضرت خیر الانام علیه افضل الصلوات
و اکمل التلیات و برخلاف ملة سهله سحر بیضا که مانع بعضی
از قوم حکیمه بودند و بعضی از متفلسفه و بعضی از قوم ضما
که آنهاست که اگر بدان کنند و از آنچه است صلوة معلوم و قرآن
حرف قرآن مجید بر عکس ترتیب منزل و صاحب تقان از بعضی
نقل کرده که این سخن است و از آنچه است جبر نفس با فراط بر سبک
فوق بهلاکت رساند و ماع را تحمل گرداند و اصل حریفی که

Copyrighted by University